



ارسالی: صلاح الدین صلاح

چرا هیچکس از اشکال نو کووید 19 هراس ندارد؟

دولت های غربی هر قدر هم که اهداف شان خیرخواهانه بوده باشد، با تقلا برای کنترل افکار عمومی، اعتماد عامه را نابود کردند. روزهای گذشته در (Stories) رسانه ها در مورد تازه ترین نوع کووید-19، نوع جدیدی از یک لست دراز کوویدها هشدار داده شده، اما به نظر میرسد که کسی به آن توجه نکرده به نظر شمار زیاد از افراد این بیماری همه گیر پاندمی مدت ها پیش پایان یافته و بطور قطع به گذشته تعلق دارد.

آخرین چیزی را که اکثریت مردم آرزو دارند، عبارت از گستر دام دیگری در نزدیک سوراخ خرگوش یعنی قیدگیری ها، قرنطین ها، ماسک ها و واکسین ها است، که چند سال قبل اعتبار دولت ها را بطور جدی زیر سوال برد و مردم شک دارند که آنچه که انجام شد، درست و بجا بوده باشد. و دولت های کشورهای غربی هم دیگر اراده و علاقه سیاسی ندارند تا جرات بخرج داده و چنین تصامیم ضد مردمی اتخاذ نمایند، ولو اگر شماری آنها تبلیغ هم میکنند. پاندمی در کشورهای غربی از چندین جهت نقطه عطف در مناسبات دولت-مردم بود، بطور مشخص به سبب آن که این نخستین رخداد با این گستردگی در دوران فرهنگ رسانه های جمعی و اجتماعی بود، جایی که مردم نسبت به هر زمان در گذشته باهم بیشتر در ارتباط بودند و امکان بیشتر و نامحدود برای اظهار نظر شان را داشتند، عقاید دیگران را می شنیدند و به این ترتیب بر ضد دولت ها و سیاست های شان مخالفت می کردند. عصر رسانه های اجتماعی با دولت های غربی که سعی می ورزند تا 'کنترل افکار' (narrative control) را دوباره بر مردمان خویش تحمیل نمایند، که البته از مدتی به اینسو آنها از دست داده اند. چالش های پر اهمیت عدیده یی را در برابر ساختارهای دولتی به طوری که امروز وجود دارند قرار داد. آزادی رسانه های اجتماعی اگر بطور مستقیم چنین زمینه یی را ایجاد نکرده باشد دست کم نقش حیاتی در پیامدهای بازی کرد. که باعث شوک نخبه گان گردید، چي در انتخابات دونالد ترامپ در ایالات متحده چي در بریکسیت در بریتانیا در نتیجه و به تعقیب آن طبقات حاکم غرب بطور افزایش یابنده سانسور و پولیس عقاید (narrative policing) را با محکوم کردن دیدگاه های که آنها نمی پسندیدند و مهر "معلومات نادرست" و حتا "تبلیغات سو" از جانب بازیگران خارجی مانند چین و روسیه را بر آن می نواختند، در میدان های رسانه های جمعی برقرار نمودند. به این ترتیب به نظر میرسد که دولتهای غربی پاندمی کووید-19 را به عنوان یکی از جمله کارزارهای سانسور فراگیر به کار بستند، (دست کم پیش از سانسورهای مرتبط با درگیری های اوکراین) به طور خاص زمانی که شماری می خواستند مسئله ضرورت واکسین را زیر سوال ببرند و یا آن را به چالش بکشند. دولتها تلاش کردند تا بطور خشونت آمیز و با سرکوب نظریات مخالف برضد خویش که از جانب رسانه های حاکم به نشر میرسد، بار دیگر کنترل افکار را برقرار نمایند. ساده لوحانه خواهد بود اگر رد کنیم که واکسین برای مبارزه بر ضد پاندمی کووید-19 با اهمیت بود، حتا حیاتی برای نجات جان انسانها مخصوصاً برای سالمندان و افراد ناتوان اما شیوه که غربیان برای حل این معضل به کار بستند، بطور عمده باعث بی اعتمادی گسترده نسبت به اتوریته آنها گردید. این به آن مفهوم نیست که واکسین ها چیز بد هستند، اما به دلیل آن که مردم سودهای را که شرکت های بزرگ تولید کننده واکسین از آن به جیب زدند و دیدند

که دولت‌ها با چی خشونت تطبیق آنرا به مرحله اجرا گذاشتند، به این مسئله که آیا به واقعیت این همه به مفاد مردم بود؟ بی‌باور شدند. به بیان دیگر میتود (پروپاگند و سانسور) بر هدف (تطبیق واکسین برای نجات زنده‌گی) غالب شد. طبیعی است که صنعت بزرگ دواسازی مربوط می‌شود به یک گروه از شرکت‌های چندین ملیتی تولیدکننده دوا، که نفوذ و روابط سیاسی کافی در اختیار دارند و این آنها را قادر می‌سازد تا افکار عمومی (public narrative) را در جهت تایید تولیدات خویش هدایت کنند و بنا بر آن این باعث به وجود آمدن انحصار آنها بر ادراک دریافت راه‌های حل برای مشکلات و بحران‌های صحت عامه می‌گردد. این شرکت‌ها بطور عمده از پاندمی سود بردند و تا حدی بر سیاست دولت‌ها روی این مسئله تاثیر وارد کردند. اما مشخص‌تر افکار عمومی به سمت هدایت شد که گویا واکسین‌های فایزر و مدرنا یگانه دواهای بودند که باید استفاده می‌شدند و رقیبان چینی و روسی‌شان بطور اغلب مورد پوشش افکار منفی قرار گرفتند. از اینرو، طوری که این روند هنوز ادامه دارد، روحیه انتقادی عموم از سیاست‌های مربوط به این پاندمی افزایش یافته، زیرا اکنون بصورت گسترده اعتقاد بر آن است که این شرکت‌ها، که با رسانه‌ها مسلح هستند، برای بدست آوردن اهداف تجارتي خویش در جامعه اعمال ترس و وحشت می‌کنند. این در تبانی با تاثیرگذاری رسانه‌ها با وجود تمام شواهد در مورد آنکه انواع قبلی کووید تا چی حد مضر و کشنده، خاصیتاً برای مریض‌ها و کهنسالان بود. ولی با وجود آن که شمار قابل ملاحظه از تلفات کووید تا امروز گزارش شده، بی‌اعتمادی در مقیاس بزرگی را بوجود آورد. در نتیجه ادامه به صدا درآوردن زنگ خطر در مورد اشکال نو و گسترش این مریضی بیشتر مضر واقع می‌شود تا مفید زیرا چنین درک را در افکار تقویت می‌نماید که رسانه‌ها سعی می‌نمایند تا مردم را از چیزی بترسانند که در واقع آنقدر خطرناک هم نیست. پاندمی از لحاظ سیاسی اثر خسته‌کننده‌ی داشت که با برگشت پر جوش و خروش به زنده‌گی حقیقی فرارسید. مردم زیر نام یک مریضی که در حافظه‌ها دیگر پایان یافته است، برای یک قربانی دادن دیگر علاقمندی ندارند، به ویژه زمانی که تصور بر آن است که در پشت این همه آجندای برای انجام چنین کار وجود دارد. تنتها شرکت‌های دواسازی بل تمرکز قدرت وضع سانسور و کنترل افکار عمومی توسط دولتها پاندمی و درگیری‌های اوکرایین با هم بخشی از تغییری را مشخص کرده‌اند که در آن دولت‌های غربی در پی برگشتاندن آن قدرتی هستند که در عصر رسانه‌های اجتماعی از دست‌شان رفته است. اما درست نتیجه برعکس آنرا حاصل نمودند.